



حتی یک‌سری از این پرسش‌ها در قرآن نیز آمده است، برای مثال «يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ» که قیامت منظور است و یا اینکه پیامبر از تو می‌پرسند وقتی اجزای ما پراکنده و استخوان‌های ما پوسیده شد، دوباره احیا می‌شویم؟

۹. آیا شعر خيام تحت تأثیر شاعرانی بوده و وی بزرگانی را تحت تأثیر قرار داده است؟ به نظر می‌رسد خيام تحت تأثیر رودکی، شهید بلخی، دقیقی طوسی و احتمالاً شاهنامه فردوسی بوده است، اما تعداد شعرایی که وی بر آن‌ها اثر گذاشته، بی‌شمار است، حتی تا روزگار ما؛ مانند سیدحسن حسینی، قیصر امین‌پور، سلمان هراتی و غیره.

۱۰. لطفاً پیرامون اثر فاخر نوروزنامه خيام که اطلاعاتی در مورد رسم نوروز ایرانیان به‌دست می‌دهد نیز کمی توضیح بدهید. نوروزنامه یک رساله تحقیقی پژوهشی در باب جشن‌های بزرگ ایرانی مثل مهرگان و نوروز است که ۴۸۰ شمس‌ نوشته شده؛ از این اثر چیز زیادی باقی نمانده، اما همان اندکی که به‌جا مانده، نشان‌دهنده نگاه عالمانه، روحیه پژوهش‌گری و شناخت عمیقی است که خيام از ایران قدیم داشته و فرایند

دقیقی در توضیح و تفسیر فرهنگ ایرانی دارد. ۱۱. نکات تعلیمی خيام برای مردم این زمان نیز کاربرد دارد؟ تا انسان، انسان است، این پرسش‌های فلسفی مطرح بوده و آدمی هیچ‌گاه از آن‌ها فارغ نخواهد بود، چراکه تا همیشه مسئله مرگ، زندگی، سرنوشت، گذشته و حال و آینده و غیره برای آدمی مطرح است، بنابراین اشعار خيام نیز کاربرد دارد و دست‌مایه اندیشیدن امروز نیز هست.

از رباعی‌های دل‌انگیز خيام این دو مورد را بخوانید و لذت ببرید: «ناکرده گنه در این جهان کیست بگو/ وان کس که گنه نکرد چون زیست بگو/ من بد کنم و تو بد مکافات کنی/ پس فرق میان من و تو چیست بگو» و «در کارگه کوزه‌گری رفتم دوش /دیدم دو هزار کوزه گویا و خموش/ ناگاه یکسی کوزه برآورد خروش/ کو کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش».

است، پس برخیز و فرصت ببین این دو عدم (زمان حال و اکنون) را دریاب. آن رباعی خيام که از کلام مذکور تأثیر پذیرفته این بوده «از دی که گذشت هیچ ازو یاد مکن/ فردا که نیامده‌ست فریاد مکن/ بر نامده و گذشته بنیاد مکن/ حالی خوش باش و عمر بر باد مکن» و در اینجا می‌توان اشاره‌ای هم به این شعر سهراب سپهری با همین مضمون کرد که می‌گوید «زندگی آبینی در حوضچه اکنون است».

بنابراین خيام می‌گوید فرصت زندگی که در اکنون است را به قربانگاه گذشته و آینده نبریم. ۸. استاد در کلام جناب‌عالی متوجه تأثیر قرآن و حدیث در رباعی‌های خيام شدیم، پس چگونه است که برخی این حکیم شاعر را چهره‌ای ضد دین معرفی می‌کنند؟ اگر درنگ کنیم، متوجه می‌شویم که خيام خواسته پرسش‌های آدمی را مطرح کند و در غالب موارد هم در پی پاسخ‌گویی نیست؛ از طرفی اگر خيام ضد دین بود هرگز او را حکیم نمی‌نامیدند، گرچه گویا در زمان خود او نیز بر اشعارش به جهت این‌گونه محتواها، عیب می‌گرفتند که موضوع عجیب و تازهای نبوده و به بسیاری از بزرگان در طول تاریخ تاخته‌اند. از طرف دیگر در شعر حافظ نیز شبیهی این اندیشه‌ها و دغدغه‌ها دیده می‌شود، درصورتی که می‌دانیم وی حافظ قرآن است و نیز همه شاعران به‌ویژه شاعرانی که در حوزه تعلیمی شعر سروده‌اند، همین مفاهیم و اندیشه‌های خيامی را مطرح کرده‌اند.

خيام قصد نداشت‌ه شک و تردید دینی ایجاد کند، بلکه پرسش‌هایی که وجود دارد و در ذهن همه ما هست را به خود جرأت داده و به زبان آورده است؛ برای مثال آیا این پرسش در ذهن ما وجود ندارد؟ «دارنده چو ترکیب طبایع آراست/ از بهر چه اوفکندش اندر کم و کاست؟/ گر نیک آمد شکستن از بهر چه بود؟/ ور نیک نیامد این صور عیب کراست؟» و یا اینکه «ترکیب پیاله‌ای که درهم پیوست/ بشکستن آن روا نمی‌دard مست/ چندین سر و پای نازنین از سر و دست/از مهر که پیوست و به کین که شکست؟».

مفاهیم را در کوتاه‌ترین قالب می‌ریزد، ۵. آیا می‌توان گفت خيام از شعر تنها به‌عنوان ظرفی جهت بیان فلسفه استفاده کرده است؟ فضای رباعی‌های خيام دغدغه‌های فلسفی بوده، اما بسیاری هستند که حرف‌های خوب گفته‌اند، اما دل‌نشین و حافظه‌نشین نیستند؛ بنابراین صرفاً به‌عنوان ظرف، خیر. خيام به همان اندازه که به مطروف که مضمون باشد اندیشیده، به ظرف هم که شعر و قالب رباعی بوده، فکر کرده است.

۶. لطفاً در مورد نگاه خيام که گویا خوش‌باشی و در زمان حال زندگی کردن است، توضیح دهید. اینکه ما باید در اکنون زندگی کرده و حال را دریابیم و از اسارت دو قطعه گذشته و آینده بیرون بیاییم، اصل مهمی است که حتی در مکتب و فرهنگ دینی ما هم وجود دارد؛ گاهی اوقات انسان‌ها فقط در گذشته زندگی می‌کنند و مدام درحال افسوس خوردن و دچار اندوه هستند که این حالت در قرآن به «حزن» تعبیر شده است و بنا به آیهای مؤمن نباید دچار حزن و خوف باشد. این‌گونه فرصت «حال» زندگی آنان از بین می‌رود و تبدیل به گذشته می‌شود!

نقطه مقابل این موضوع و افراد، کسانی هستند که مدام در فکر آینده بوده و دچار استرس هستند؛ این‌ها نیز اکنون خود را فدای آینده می‌کنند و حالت ترس دارند که همان‌طور که اشاره شد، قرآن از آن به‌خوف تعبیر می‌کند. اما مؤمنان و اولیا از دید قرآن در «حال» زندگی می‌کنند و با توکل به خدا، از حزن و خوف به دور هستند.

۷. استفاده از آیات و روایات اسلامی در آثار خيام که باعث می‌شود هر فردی به‌راحتی با آن‌ها ارتباط برقرار کرده و مضمون را درک کند، البته همان‌طور که اشاره شد این صورت موضوع بوده و نوعی سهل‌منتع است. دیگر آنکه گویی خيام به نمایندگی از همه انسان‌ها دغدغه‌های آدمی و پرسش‌های فلسفی او را عنوان کرده، پرسش‌هایی در مورد فلسفه وجودی آدمی و مرگ او که در ذهن همه انسان‌ها وجود دارد، اما او به خود جرأت می‌دهد و آن‌ها را بیان می‌کند؛ بنابراین اشعار خيام دور از تصنع و تکلف و باین‌وجود درنهایت فصاحت و بلاغت هستند و وی عالی‌ترین

خیام می‌گوید فرصت زندگی که در اکنون است را به قربانگاه گذشته و آینده نبریم؛

رباعیات خيام عالم‌گیر و آدم‌گیر

به‌وسیله اشعار خيام جهانیان با فکر او و فرهنگ ایرانی آشنا شدند

این استاد دانشگاه را در ادامه می‌خوانید:

۱. نخستین پرسش در رابطه با شخصیت خيام و علل گرایش وی به شعر و انتخاب قالب رباعی برای اشعارش است، لطفاً در این مورد توضیح بدهید.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، یکی از چهره‌های شاخص در حوزه شعر و البته بیش و پیش از شعر در حوزه علمی، فلسفه، ریاضی و به‌ویژه تقویم و هیت، غیاث‌الدین ابوالفتح عمر ابن ابراهیم خيام نیشابوری است که وی آن‌قدر نبوغ داشته که تقویم موجود ما را در ۳۲ سالگی تدوین کرد و هنوز هم می‌گویند بهترین و دقیق‌ترین تقویم است؛ این شخصیت بزرگ ابتدا به شعر شناخته نبوده و بیشتر هویت علمی او برجسته بوده و حتی در فرهنگ ایرانی به وی حکیم گفته می‌شده است؛ حکیم چهره فلسفی و حکمی فرد را به ذهن متبادر می‌کند.

خيام به‌هر ترتیب هم به حکمت مشهور است و هم به ادبیات، به‌ویژه قالبی که‌ه از آن بهره برده، یعنی «رباعی»، اما پیرامون اینکه چرا قالب رباعی را برای اشعارش انتخاب کرده، باید گفت که این قالب سه ویژگی دارد که آن را ممتاز و شاخص می‌کند؛ نخستین مورد آن است که این قالب خوش‌آهنگ بوده و برای مثال در مورد «لا حول و لا قوه الا بالله» گفته‌اند که در قالب رباعی است، بنابراین چون خوش‌آهنگ بوده، در حافظه‌ها می‌ماند.

نکته دوم در مورد این قالب آنکه کوتاه است و از چهار مصرع تشکیل می‌شود که همسایه آن دوبیتی بوده و نمایندگ‌اش باباطاهر ممدانی است؛ گویی سرزمین آفرینش رباعی و دوبیتی، همدان بوده، بعد از انقلاب هم بخشی از بهترین رباعی‌های سروده‌شده اختصاصی به همدان دارد.

نکته سوم اینکه سرایش رباعی گرچه به‌ظاهر آسان بوده، اما به‌واقع دشوار است و سرون در این قالب نوعی کار سهل‌منتع به‌شمار می‌رود؛ چون در آن می‌بایست یک موضوع و مضمون مشخص شود و بتوان آن را به زیباترین شکل، با ضرب‌آهنگ آخرین مصرع، خلق بکنید؛ چراکه تمام زیبایی رباعی به آخرین مصرع آن است، یعنی سه مصرع باید در خدمت آخرین مصرع باشد و لب کلام و نتیجه‌گیری در آن مصرع پایانی به‌خوبی گفته شود. برخی رباعی را با الویلیال یا فوتبال مقایسه کرده‌اند که چند نفر توپ را به یکدیگر پاس می‌دهند، اما گل را آخرین نفر که توپ به دستش می‌رسد، می‌زند و اگر آن مصرع شاخص، برجسته و ممتاز نباشد، از آن رباعی چندان استقبال نمی‌شود، کما اینکه در روزگار ما و در عصر انقلاب به‌استثنای رباعی‌گویان خوب همچون قیصر امین‌پور و سیدحسن حسینی و میرهاشم میری در همدان، رباعی‌های مابقی شعرا چنگی به دل نمی‌زند، چون ماهیت و این خصوصیت رباعی را نمی‌شناختند؛ حال این غالب دل‌انگیز به جهت زیبایی و تأثیرگذاری

«زبان و شاعری» در پله سوم نشر ایستاد

رمزگشایی از تعریف شعر در کلام مالارمه، آلن پو، بکت و بنیامین

سپهرغرب، گروه دُرّهای دَری: سومین چاپ «زبان و شاعری» به ترجمه پیمان چهرازی منتشر شد. این کتاب شامل چهارمقاله به قلم مالارمه، آلن پو، بکت و بنیامین در ماهیت شعر است و ابهامات در تعریف شعر را روشن می‌کند.

نشر آگه سومین چاپ کتاب «زبان و شاعری» به ترجمه پیمان چهرازی را با شمارگان ۲۲۰ نسخه، ۱۲۸ صفحه و بهای ۲۵ هزار تومان منتشر کرد. دومین چاپ این کتاب بهار امسال با شمارگان ۲۲۰ نسخه و بهای ۲۰ هزار تومان منتشر شده بود. چاپ نخست این کتاب نیز پاییز سال ۱۳۹۸ با شمارگان ۵۵۰ نسخه و بهای ۱۹ هزار تومان در دسترس مخاطبان قرار گرفته بود.

«زبان و شاعری» شامل چهار مقاله مهم با این عناوین است: «شالوده شعر» نوشته ادگار آلن پو، «بحران شعر» نوشته استغان مالارمه، «داتنه» برنوو. ویکو. جویس» نوشته ساموئل بکت و «فلانور» نوشته والتر بنیامین. کتاب با کنار هم گذاردن این چهار مقاله این امکان را فراهم می‌کند که برخی از جزئیات و ابهامات موجود در تعریف شعر، در قالب نوعی تلاقی یا هم‌پوشانی، در پرتو یکدیگر وضوح یابند.

داتنه. برنوو. ویکو. جویس» در واقع نخستین مطلب منتشر شده به قلم بکت است. بکت در این متن که در سال ۱۹۲۹ منتشر شده بود، در تحلیل ساختار مدرن و نامتعارف رمان «شب زنده‌داری فینگن‌ها» اثر جیمز جویس، به خاستگاه‌های زبان و شعر رجوع می‌کند. این رمان معروف جویس به

سپهرغرب، گروه دُرّهای دَری: گوگل هوش مصنوعی توسعه داده که به کاربر کمک می‌کند شعر بنویسد.

گوگل ابزاری به نام «شعر با شعر» Verse by Verse) ارائه کرده که به کاربر کمک می‌کند تا شعر زیبایی بسراید.

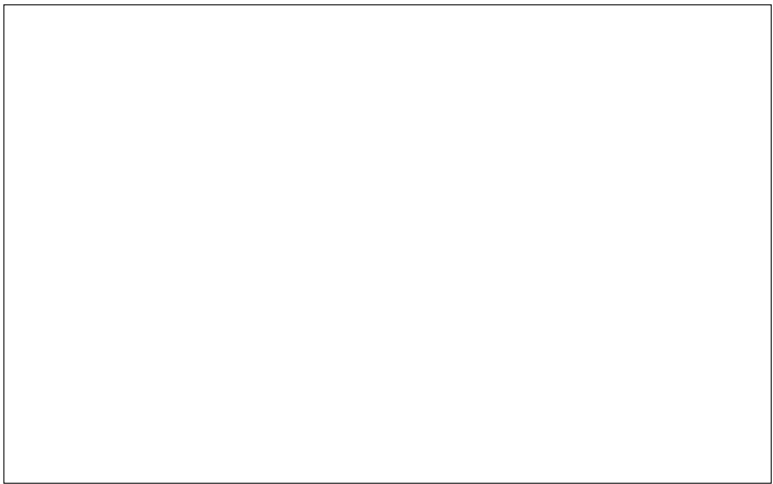
آخرین پروژه آزمایشی این شرکت که شعر نویسی با هوش مصنوعی است، پیشنهاداتی با شیوه شعر نویسی مشهورترین شاعران آمریکایی به کاربران ارائه می‌کند.

کاربری می‌تواند ۳ شاعر را انتخاب کند تا از آنها الهام بگیرد مانند امیلی دیکینسون، والت وایتمن و ادگار آلن پو. پس از انتخاب شاعران و ساختار شعر، ابزار هوش مصنوعی گوگل از کاربر می‌خواهد تا مصرع اول شعر را بنویسد. در مرحله بعد هوش مصنوعی گزینه‌های مختلفی را به او پیشنهاد می‌کند.

البته این ابزار کاربر را مجبور نمی‌کند حتما از پیشنهاداتش استفاده کند. او می‌تواند آنها را دستکاری یا رد کند. هدف این ابزار الهام بخشی به کاربران است و درواقع یک شعر کامل را به جای او

نمی‌نویسد. مهندسان گوگل برای ساخت این ابزار مجموعه بزرگی از اشعار کلاسیک را در سیستم بارگذاری کردند. آنها از آثار هر شاعر برای ارتقای مدل‌های هوش مصنوعی استفاده کردند تا شیوه‌های شعر نویسی مختلف را

هوش مصنوعی شعر می‌سراید!



بهبود دهند.از آنجا که هدف مهندسان آن بود که سیستم پیشنهاداتی مرتبط به کاربران ارائه کند بنابراین به سیستم هوش مصنوعی آموزش داده شد تا درک کند بهترین گزینه‌ها برای مصرع بعدی یک شعر کدام هستند.